

## طراحی الگوی برنامه‌درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی ایران: یک مطالعه کیفی

سیده مریم حسینی لرگانی<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی برنامه‌درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور با استفاده از نظریه برپایه انجام شد. جامعه مورد مطالعه تمام متخصصان و صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تحت نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کشور بودند که تعداد ۲۴ نفر از آنها ابتدا به روش هدفمند و سپس، با استفاده از روش گلوله‌برفی و نمونه‌گیری نظری برای مطالعه انتخاب شدند. نتایج نشان داد که برنامه‌درسی نوآورانه شامل ابعاد ابهام‌پذیری، نوگرایی، جامعه‌گرایی، تحول‌گرایی، پیچیدگی، کمال‌گرایی، بازارمحوری، ارزش‌گرایی، نیازمحوری و ارتباط‌محوری است. بر اساس یافته‌ها عوامل علی مؤثر بر توسعه برنامه‌درسی نوآورانه شامل ویژگی‌های آموزشگر، مدیریت، رویکرد دانشگاه، ساختار برنامه‌درسی، تمرکززدایی، منابع و روش‌های آموزشی، عوامل انگیزشی-حمایتی، عوامل ساختاری آموزش عالی و ویژگی‌های فراگیران است. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر توسعه برنامه‌درسی نوآورانه شامل امکانات و تجهیزات دانشگاه، قوانین و مقررات، عوامل اجتماعی-فرهنگی، شرایط کاری و شغلی و عوامل اقتصادی است. عوامل مداخله‌گر مؤثر بر توسعه برنامه‌درسی نوآورانه شامل عوامل فناوری، سیاست‌گذاری‌ها و عوامل کلان مدیریتی است. راهبردهای پیشنهادی برای توسعه برنامه‌درسی نوآورانه شامل استفاده از نظرهای ذینفعان، انجام دادن مطالعات نیازسنجی، امکان‌سنجی و آینده‌پژوهی، تمرکززدایی در آموزش عالی، انجام دادن مطالعات اقدام‌پژوهی، تأمین بودجه و شرایط، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی، تأسیس مراکز اعتباربخشی، شناسایی و حمایت از افراد خلاق و ایده‌پرداز، تشکیل ساختارها و شبکه‌های رسمی و غیررسمی، تعیین نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس شاخص نوآوری و توجه به رویکرد یادگیری‌محوری و مدیریت دانش است. یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین پیامدهای اجرای برنامه‌درسی نوآورانه دستیابی به چشم‌اندازها، رسالت‌ها و اهداف اصلی آموزش عالی، توانمندسازی فراگیران، توسعه کارآفرینی و اشتغال پایدار، افزایش ارتباط دانشگاه با بازار کار و صنعت، بهبود شاخص‌های رفاه در جامعه و دستیابی به توسعه پایدار همه جانبه است.

**کلید واژگان:** دانشگاه نوآورانه، برنامه‌درسی نوآورانه، بازنگری در آموزش عالی، نظریه برپایه.

۱. استادیار گروه نوآوری آموزشی و درسی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.  
mhosseinil@irphe.ir

## مقدمه

در عصر پر تحول علم و فناوری امروز و زمانی که مزایای رقابتی پایدار کلیدی برای موفقیت و شکست به‌شمار می‌رود، آموزش عالی کارآمد می‌تواند برگ برنده‌ای برای بهبود موقعیت و عملکرد دانش‌آموختگان آموزش عالی به‌عنوان منابع انسانی مورد نیاز دستیابی به توسعه پایدار برای ورود و بقا در بازارهای کار ملی و بین‌المللی آنان باشد (Hosseini Largani, Fathi Vajargah, Arefi & Zarafshani, 2015). این در حالی است که آموزش عالی ایران در طول دو دهه گذشته با چالش‌ها و مسائل بسیاری از جمله ناتوانی در تولید دانش نظری و مصرف دانش‌های بنیادی و نظری تولید شده در سایر کشورهای جهان، کاربردی نبودن آموزش‌های دانشگاهی، نبود رابطه مناسب بین دانشگاه‌ها و سایر بخش‌های اجتماعی، بی‌توجهی به کاربردهای پژوهش و ارائه خدمات در دانشگاه‌ها، مشکل تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود متولیان متعدد، رشد فزاینده دانشجویان و متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، گسترش کمی نظام آموزش عالی بدون توجه به ظرفیت‌های موجود و توان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه برای پذیرش دانش‌آموختگان دانشگاهی، کاهش منابع مالی و فشار از سوی جامعه برای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مواجه بوده است (Khaghanizadeh & Fathi Vajargah, 2009).

با توجه به مشکلات و چالش‌های مذکور، به نظر می‌رسد که نظام آموزش عالی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی خود در قبال آموزش‌های کاربردی برای محیط کار و آموزش‌های متناسب با نرخ رشد فناوری و علم در جهان امروزی سیاست روشنی ندارد و چندان موفق عمل نکرده است (Sadeghi & Anvari, 2005)، به‌گونه‌ای که بخش زیادی از برنامه‌های درسی (به‌طور متوسط ۶۲ درصد) نظام آموزش عالی برای محیط و بازار کار مناسب نیستند (Saks & Belcourt, 2006). در این خصوص، گزارش سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) بیانگر آن است که کشور ایران از نظر جذب دانش، اشاعه دانش، خلاقیت و نوآوری در میان ۱۴۵ کشور جهان به‌ترتیب رتبه‌های ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۲۷ و ۱۲۰ را دارد. این عقب‌ماندگی‌ها موجب شده است که رتبه بهره‌وری نیروی کار ایران در میان ۱۴۸ کشور جهان ۱۳۰ باشد (Saks & Belcourt, 2006). قرار گرفتن کشور در رتبه ۱۳۰ از نظر بهره‌وری نیروی کار حکایت از آن دارد که آموزش عالی در ایران از اثربخشی و ثمربخشی لازم برخوردار نیست، به‌گونه‌ای که شواهد موجود در نظام آموزش عالی از نبود رابطه منسجم و متناسب بین برنامه‌های درسی در طول دوره تحصیلی با نیازها و مقتضیات بازار کار حکایت دارند (Momeni Mahmouee, Shariatmadari & Naderi, 2009; Nourabadi, Ahmadi, Dabiri Isfahani & Farasatkah, 2015). در حال حاضر، کشور ایران در بحث ارتباط آموزش با اشتغال و مشارکت اقتصادی رتبه ۱۳۰ را در میان ۱۳۰ کشور جهان دارد (Salehi Omran, 2018). بر این اساس، ناکارایی برنامه درسی کنونی در نظام آموزش عالی اثبات و ضرورت تغییر و تحول در برنامه درسی و حرکت به سمت برنامه‌های درسی نوآورانه احساس شده است

(Nourabadi et al., 2015). در حال حاضر، یکی از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی درسی اهمیت نوسازی و تجدید نظر در برنامه‌های درسی و هماهنگ ساختن عناصر برنامه‌های درسی با شرایط در حال تغییر و تحول و نامطمئن جهان است (Peeco, 2009). در این خصوص، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی متعددی در دنیا به دلیل تغییرات گسترده در محیط پیرامون خود شروع به معرفی و اجرای نوآوری در برنامه درسی خود کرده‌اند (Khosravi & Arman, 2016). شواهد و تجربه‌های موجود نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اندکی توانسته‌اند در اجرای مؤثر این نوآوری‌ها موفق عمل کنند (De La Harpe & Thomas, 2009)؛ به گونه‌ای که در برنامه‌های درسی کنونی تغییر و بازبینی که همراه با تعدیل و اصلاح اساسی در برنامه درسی باشد، به ندرت انجام شده است (Peeco, 2009). دلیل این امر آن است که تغییر و نوآوری در برنامه درسی فرایندی بسیار پیچیده و غالباً با حوزه‌های میان‌رشته‌ای و فرهنگی همراه است (Gao, Zhang, Wen et al., 2017). بنابراین، می‌توان اذعان کرد که بحث نوآوری در برنامه درسی آموزش عالی از موضوعات بسیار چالش‌برانگیز است، چرا که گسترش ذینفعان و علائق متعدد آنها در دانشگاه‌ها و لزوم مشارکت اعضای هیئت علمی در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی موجب شده است تا دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به سازمان‌های بسیار پیچیده تبدیل شوند و از این رو، فرایند طراحی و اجرای نوآوری در چنین سازمان‌هایی نیازمند توجه دقیق به جنبه‌های مختلف و عوامل و پارامترهای متعدد مؤثر بر موضوع است (Nourabadi et al., 2015). با توجه به مسائل و مشکلات نظام آموزش عالی کشور در زمینه تغییر و تحولات جامع و پاسخگویی به آنها، پژوهش حاضر با هدف اصلی طراحی الگوی برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی ایران انجام شد.

### پیشینه پژوهش

نوآوری از تغییرات در یک موضوع درسی (مانند یک برنامه جدید درس خواندن) تا تغییرات جامع (مانند اتخاذ رویکردهای درهم تنیده تدریس به فراگیری در سنین معین) در نوسان است (Mehr, 2005). Mohammadi, 2005). به اعتقاد فولن (Fullan, 1991) تغییر در برنامه درسی شامل هرگونه تغییر و اصلاح در جنبه‌های مختلف برنامه درسی مانند فلسفه، ارزش‌ها، اهداف، ساختار سازمانی، مواد، راهبردهای تدریس، تجربه‌های دانش‌آموزان، ارزیابی و پیامدهای یادگیری می‌شود. در نظام‌های آموزشی نوآوری عبارت از کوشش‌هایی است که برای ایجاد تغییر در نظام آموزشی به‌طور آگاهانه و هدفدار به‌منظور بهبود بخشیدن به نظام موجود به‌عمل می‌آید (Aghazadeh, 2015). تغییر در نظام آموزشی یک کشور در صورتی نوآوری تلقی خواهد شد که برای پاسخگویی به نیازهای جدید ایجاد شود و صرفاً نتیجه خواست یک نفر یا یک گروه نباشد. نوآوری باید برای تأمین نیاز یا نیازهای پیش‌بینی شده صورت گیرد و کم و کیف آن مرتبط با همین نیازها پیوسته ارزیابی شود (Raouf, 2001).

خسروی (Khosravi, 2018) در مطالعه‌ای درخصوص دیدگاه متخصصان برنامه درسی درباره چالش‌های نوآوری در برنامه درسی آموزش عالی بررسی کرد. نتایج مطالعه وی نشان داد که متخصصان

برنامه درسی دو نگرش کاملاً متفاوت؛ یعنی نگرش کلان و نگرش خرد به چالش‌های نوآوری‌های برنامه درسی دارند. متخصصان دارای نگرش کلان بر این باور بودند که عمده چالش‌های پیش روی نوآوری‌های برنامه درسی آموزش عالی ناشی از متغیرها و عوامل محیطی، زیرساختی و اجرایی نظام آموزش عالی است و با ذینفعان و ماهیت برنامه درسی ارتباط زیادی ندارد. اما متخصصان برنامه درسی با نگاه خرد بر این باور بودند که عمده چالش‌های پیش روی نوآوری‌های برنامه درسی آموزش عالی به دلیل عوامل فردی، فنی و تخصصی مربوط به رشته و ذینفعان و کاربران برنامه درسی است. همچنین خسروی و آرمان (Khosravi & Arman, 2016) در مطالعه‌ای با عنوان «الگوی برای پیاده‌سازی نوآوری در برنامه درسی نظام آموزش عالی» به این نتیجه دست یافتند که شش دسته عوامل شامل فرهنگ برنامه درسی، ویژگی‌های پذیرندگان نوآوری، ویژگی نوآوری، سیاست‌های محیط کلان، عوامل تسهیل‌کننده و عوامل محدود کننده بر اجرای نوآوری‌های آموزشی در آموزش عالی ایران تأثیر مستقیم دارند.

گائو و همکاران (Gao et al., 2017) در مطالعه‌ای با عنوان «چالش، فرصت و توسعه: عوامل مؤثر و گرایش‌های نوآوری در برنامه درسی دانشجویان کارشناسی پرستاری در ماینلاند چین» به این نتیجه دست یافتند که یکپارچگی در برنامه درسی کارشناسی، متمدن‌سازی در برنامه درسی کارشناسی، بین‌المللی‌سازی در برنامه درسی کارشناسی و تنوع و گوناگونی در برنامه درسی کارشناسی دلایل و گرایش‌های اصلی هستند که به نوآوری در برنامه درسی آینده چین منجر می‌شوند. ماتا (Mata, 2012) در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل کلیدی نوآوری برنامه درسی در آموزش معلمان زبان» به این نتیجه دست یافت که عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، سازمانی، روانشناختی، آموزشی، قانونی- حقوقی و تکنولوژیکی بر توسعه نوآوری در برنامه درسی تأثیر می‌گذارند.

کیرک‌گوز (Kirkgoz, 2009) مطالعه‌ای با عنوان «چالش تولید و حفظ برنامه درسی نوآورانه در آموزش عالی» انجام داد. در این مطالعه از جمله دلایل اهمیت توجه به تجدید نظر مداوم در برنامه درسی در آموزش عالی و توجه به نوآوری در این برنامه‌ها، پاسخگویی به نیازهای متنوع و متغیر دانشجویان و اعضای هیئت علمی بود. برخی از پیشنهادها برای پژوهش برای پیشبرد نوآوری در برنامه درسی بدین شرح است: نوآوری به تدریج به روشی نظام‌مند عرضه شود؛ لازم است تمام شرکت‌کنندگان در اجرا، در تصمیم‌گیری نیز شرکت کنند و بیشترین قوانین برای پیشرفت توافق عمومی، تعهد و انگیزه وجود داشته باشد. شرکت و حمایت مجریان اثرگذار بر برنامه برای تولید برنامه درسی، به منظور دستیابی به انسجام میان اجزای آن ضروری است. لازم است مدرسان به‌عنوان نقش‌آفرینان کلیدی، حمایت اجرایی و اداری کافی را نه تنها در طی مراحل اولیه فرایند تجدید برنامه درسی، بلکه در سراسر دوره‌های تدریس دریافت کنند تا بتوانند اجازه دهند تغییرات در تدریس آنها رخ دهد.

به‌طور کلی، از بررسی منابع مختلف و نتایج مطالعات تجربی داخلی و خارجی که به برخی از آنها اشاره شد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که با وجود تعاریف و دیدگاه‌های نظری زیادی که درخصوص برنامه درسی به‌صورت اعم و برنامه درسی نوآورانه به‌صورت اخص وجود دارد، هیچ الگوی پذیرفته شده‌ای در

زمینه برنامه‌دستی نوآورانه در نظام آموزش عالی وجود ندارد؛ به بیان دیگر، در مطالعات معدود و به‌صورت پراکنده به عوامل مؤثر بر توسعه و پیاده‌سازی برنامه‌دستی نوآورانه اشاره شده است. این در حالی است که شناسایی عوامل زمینه‌ساز توسعه برنامه‌دستی نوآورانه به‌منظور تدوین راهکارهایی برای تسهیل آن اهمیت و ضرورت بسیاری برای سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، مدیران و آموزشگران نظام آموزش عالی دارد. بنابراین، مجموع شرایط مذکور موجب شد که به‌منظور طراحی الگوی برنامه‌دستی نوآورانه در نظام آموزش عالی، با به‌کارگیری روش نظریه‌برپایه درخصوص شناسایی عوامل زمینه‌ساز توسعه برنامه‌دستی نوآورانه در نظام آموزش عالی و درنهایت، شناسایی راهبردها و پیامدهای توسعه برنامه‌دستی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور ایران اقدام شود.

### روش پژوهش

نظر به آنکه تا کنون مدل جامع و مانعی برای برنامه‌دستی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور ارائه نشده است، نمی‌توان از میان الگوها و مدل‌های متفاوت و بعضاً متناقضی که در این زمینه وجود دارد، یک یا چند مدل را برای نظام آموزش عالی ایران مناسب دید و با استناد به آن درخصوص توسعه برنامه‌دستی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور اقدام کرد. بنابراین، روش نظریه‌برپایه<sup>۳</sup> مناسب‌ترین روش برای انجام دادن این مطالعه به نظر رسید، چرا که این نظریه یکی از روش‌های تحقیق کیفی است که در آن با تأکید بر زمینه‌های واقعی<sup>۴</sup>، هدف‌های یک پژوهش دنبال می‌شود و بر خلاف پارادایم کمی، آزمون نظریه خاصی صورت نمی‌گیرد، بلکه نظریه یا مدل از دل هر آنچه به‌طور واقعی وجود دارد، استخراج می‌شود (Mousavi, Salehi Omran, Farastkhah & Tawfighi, 2018). لذا، در پژوهش حاضر با هدف اکتشاف عوامل زمینه‌ساز توسعه برنامه‌دستی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور از نظریه‌برپایه سیستماتیک<sup>۵</sup> اشتراوس و کوربین (Strass & Corbin, 1988) استفاده شد. به‌طورکلی، در الگوی سیستماتیک نظریه‌داده‌بنیان پژوهشگر به دنبال واکوی و مفهوم‌سازی شش مقوله شامل شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، پدیده محوری، راهبردها و پیامدهای مرتبط با موضوع پژوهش است. جامعه مورد مطالعه گروه‌های مطلعان کلیدی، استادان دارای تخصص علمی و تجربه کاری در حوزه علوم تربیتی به‌خصوص برنامه‌ریزی آموزشی و درسی در نظام آموزش عالی کشور و همچنین طراحان برنامه‌های درسی، معاونان آموزشی و مدیران گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور بودند که در زمینه تدوین برنامه‌دستی تجربه و سابقه علمی داشتند. نمونه‌های مورد مطالعه ابتدا به‌صورت هدفمند انتخاب شدند و در ادامه از نمونه‌گیری نظری<sup>۶</sup> برای شناسایی عوامل زمینه‌ساز برنامه

3. Grounded Theory Method (GTM)

4. Context

5. SY-GTM

6. Theoretical Sampling

درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی بهره گرفته شد. برای این منظور، ابتدا چند نفر از افراد و مطلعان کلیدی، استادان دارای تخصص علمی و تجربه کاری در حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در نظام آموزش عالی کشور به صورت هدفمند انتخاب شدند، به گونه‌ای که اطمینان حاصل شد که افراد منتخب متخصصانی هستند که در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی در نظام آموزش عالی سابقه علمی، پژوهشی و اجرایی دارند، چرا که این احتمال وجود داشت که این گروه‌ها دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص برنامه درسی نوآورانه داشته باشند. پس از انجام دادن مصاحبه‌های اولیه و تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، کدگذاری و ایجاد مفاهیم، مقایسه آنها با هم، تشکیل مقوله‌ها و برقراری ارتباط بین آنها، از نمونه‌گیری گلوله برفی و نظری برای انتخاب شرکت‌کنندگان بعدی استفاده شد. با توجه به آنکه معیار قضاوت درباره زمان متوقف کردن نمونه‌برداری نظری کفایت نظری مقوله‌ها و داده‌هاست، در این پژوهش نقطه اشباع نظری برای محقق کاملاً ملموس بود و نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که پژوهشگر با پرسیدن سؤالات به‌طور مکرر متوجه شد که داده‌های جدید هیچ بینش تازه‌ای را برای طبقات آشکار نمی‌کند. در نهایت، پس از انجام دادن ۲۴ مصاحبه که به‌طور میانگین مدت زمان هر مصاحبه یک تا دو ساعت به طول انجامید، اشباع نظری حاصل شد (جدول ۱). با توجه به ماهیت موضوع و هدف تحقیق، از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند انفرادی، یادداشت‌های عرصه (یادداشت‌برداری)، بررسی اسناد و متون علمی (مطالعات کتابخانه‌ای) و بررسی تجارب بین‌المللی (مطالعات اینترنتی) استفاده شد. از جمله سؤالات پرسشنامه می‌توان به مواردی نظیر «به نظر شما منظور از برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی چیست؟» و «عوامل مؤثر بر راهبردها و پیامدهای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی ایران کدام‌اند؟» اشاره کرد. سه مرحله کدگذاری که در نظریه برپایه به کار می‌رود، عبارت از کدگذاری باز<sup>۷</sup>، محوری<sup>۸</sup> و انتخابی<sup>۹</sup> است (Hajbagheri, Parvizi & Salsali, 2011). در تحقیقات کیفی استفاده از مفاهیمی مانند قابلیت اعتبار (اعتبارپذیری)<sup>۱۰</sup>، قابلیت تأیید (تأییدپذیری)<sup>۱۱</sup> و قابلیت انتقال (انتقال‌پذیری)<sup>۱۲</sup> در توصیف جنبه‌های گوناگون قابلیت اطمینان<sup>۱۳</sup> کاربرد دارد (Iman & Nawshadi, 2011). در پژوهش حاضر قابلیت اعتبار نتایج با استفاده از روش‌های کنترل‌های اعضا، استفاده از محققان مختلف در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و خودبازبینی محقق بررسی شد. به‌منظور بررسی تأییدپذیری نتایج تحقیق، کلیه یادداشت‌ها، اسناد و مصاحبه‌های ضبط شده پس از تحلیل مجدداً در اختیار تیم پژوهش و دیگر محققان قرار گرفت تا

- 
7. Open Coding
  8. Axial Coding
  9. Selective Coding
  10. Credibility
  11. Confirmability
  12. Transferability
  13. Trustworthiness

تناسب بین داده‌های خام با نتایج به‌دست آمده از داده‌ها تأیید شود. به‌منظور اطمینان از قابلیت انتقال یافته‌های پژوهش، تلاش شد تا به دقت و با ذکر جزئیات شرایط اجرای تحقیق توصیف شود.

جدول ۱- ویژگی‌های متخصصان مورد مطالعه

رشته تحصیلی	تعداد افراد	محل خدمت	تعداد مراجعه	مدت مصاحبه (دقیقه)
برنامه درسی	۸	دانشگاه خوارزمی	۱	۸۵
		دانشگاه علمی-کاربردی	۱	۸۳
		دانشگاه علامه طباطبایی	۴	۲۰۵
		عضو شورای عالی برنامه‌ریزی	۲	۹۶
		دانشگاه تهران	۱	۵۰
		دانشگاه تربیت مدرس	۱	۶۵
		دانشگاه لرستان	۱	۶۵
		دانشگاه تبریز	۱	۵۸
برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی	۴	دانشگاه همدان	۱	۶۵
		شورای عالی انقلاب فرهنگی	۲	۱۱۰
		دانشگاه علامه طباطبایی	۲	۱۳۳
برنامه‌ریزی آموزشی	۲	دانشگاه تهران	۱	۷۸
		دانشگاه شیراز	۱	۵۵
روانشناسی تربیتی	۲	عضو شورای عالی برنامه‌ریزی	۱	۸۰
		رئیس شورای عالی برنامه‌ریزی	۱	۵۵
مدیریت آموزشی	۴	دانشگاه شهید بهشتی	۱	۸۵
		عضو شورای تحول	۱	۸۰
		دانشگاه فردوسی مشهد	۱	۹۰
		وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱	۷۰
فلسفه تعلیم و تربیت	۱	دانشگاه خوارزمی	۱	۵۶
شیمی	۱	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱	۵۶
برنامه‌ریزی توسعه در آموزش عالی	۳	عضو شورای عالی برنامه‌ریزی	۲	۹۷
		مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	۲	۱۳۰
		شورای عالی انقلاب فرهنگی	۲	۹۰

## یافته‌ها

برای شناسایی مفهوم، عوامل زمینه‌ساز، راهبردها و پیامدهای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی ایران، ابتدا در مرحله کدگذاری باز متن مصاحبه‌ها تحلیل محتوای عرفی شد؛ یعنی متن مصاحبه‌ها به‌صورت خط به خط تجزیه و تحلیل شدند. مفاهیم بی‌ربط و نامناسب حذف، جملات و مفاهیم کلیدی استخراج و مفاهیم مشابه در هم ادغام شدند. سپس، در مرحله کدگذاری محوری مفاهیم مشابهی که در

مرحله کدگذاری باز شناسایی شده بودند، دسته‌بندی شدند و بر اساس نزدیکی و مشابهت مفاهیم، زیرطبقات شکل گرفتند؛ درنهایت، زیرطبقات تشکیل شده بر اساس مدل نظریه برپایه، طبقات اصلی را به وجود آوردند. در نتیجه کدگذاری باز و محوری نتایج زیر حاصل شد.

از دیدگاه افراد مورد مطالعه در نظام آموزش عالی ایران برنامه درسی نوآورانه دارای ده مفهوم شامل ابهام‌پذیری، نوگرایی، جامعه‌گرایی، تحول‌گرایی، پیچیدگی، کمال‌گرایی، بازارمحوری، ارزش‌گرایی، نیازمحوری و ارتباط‌محوری است. عوامل علی مؤثر بر توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور شامل مواردی نظیر آموزش‌گر، مدیریت، رویکرد دانشگاه، ساختار برنامه درسی، تمرکززدایی، منابع و روش‌های آموزشی، عوامل انگیزشی - حمایتی، عوامل ساختاری آموزش عالی و ویژگی‌های فراگیران است. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور شامل مواردی نظیر امکانات و تجهیزات دانشگاه، قوانین و مقررات، عوامل اجتماعی - فرهنگی، شرایط کاری و شغلی و عوامل اقتصادی است. عوامل مداخله‌گر مؤثر بر توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور شامل مواردی نظیر عوامل فناوری، سیاست‌گذاری‌ها و عوامل کلان مدیریتی است. همچنین از دیدگاه پاسخگویان راهبردهایی نظیر استفاده از نظرهای ذینفعان (دانشجویان، والدین، صاحبان صنایع، متخصصان و ...) نظام آموزش عالی در تدوین برنامه درسی نوآورانه، انجام دادن مطالعات نیازسنجی، امکان‌سنجی و آینده‌پژوهشی برای تدوین برنامه درسی نوآورانه، تمرکززدایی در نظام آموزش عالی برای تدوین و اجرای برنامه درسی نوآورانه، طراحی و اجرای بهینه مطالعات اقدام‌پژوهی در درون و برون دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای اصلاح و بهبود برنامه درسی نوآورانه، تلاش به‌منظور تأمین بودجه و فراهم کردن شرایط مناسب برای اجرای برنامه درسی نوآورانه، تلاش درخصوص برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مناسب برای توانمندسازی استادان، تلاش برای تأسیس مراکز و شاخص‌های ارزیابی اعتبار و کیفیت برنامه‌های درسی نوآورانه دانشگاه‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، تدوین دستورالعمل‌هایی برای شناسایی استادان و دانشجویان خلاق و ایده‌پرداز و حمایت از آنان و تشویق و ترغیب آنها برای اجرای ایده‌ها و نظرهای خود در دانشگاه‌ها، تلاش برای تدوین ساختارها و تشکلهای رسمی و غیررسمی در نظام آموزش عالی برای طراحی و تدوین برنامه‌های درسی و آموزشی، تلاش درخصوص تعیین نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بر اساس شاخص‌های نوآوری در آموزش و ایجاد صلاحیت‌های کارآفرینی در میان فراگیران و تلاش به‌منظور توجه بیشتر به رویکرد یادگیری‌محوری و پیاده‌سازی نظام مدیریت دانش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور مناسب هستند. درنهایت، یافته‌های پژوهش نشان داد که پیامدهای توسعه و پیاده‌سازی برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور از دیدگاه افراد مورد مطالعه مواردی نظیر دستیابی به چشم‌اندازها، رسالت‌ها و اهداف اصلی نظام آموزش عالی، توانمندسازی فراگیران برای زندگی بهتر در جامعه، توسعه کارآفرینی و اشتغال پایدار در جامعه، افزایش ارتباط دانشگاه با بازار کار و بخش صنعت، توسعه و بهبود شاخص‌های رفاه در جامعه و دستیابی به توسعه پایدار همه‌جانبه هستند (جدول ۲).



جدول ۲- مقوله‌های به‌دست آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری محوری		کدگذاری باز
طبقه	زیر طبقه	مفهوم
عوامل علی	ویژگی‌های آموزشگر	صلاحیت استادان
		نگرش استادان
		باورها و اعتقادات استادان
		خلاقیت و نوآوری استادان
		انگیزه استادان
	عوامل مدیریتی	سبک مدیریت
		دیدگاه مدیران
		منصب‌گرایی
		ناهمگونی مدیران
		خلاقیت و نوآوری مدیران
	رویکرد دانشگاه	توجه به تولید دانش
		توجه به حل مسئله
		تأکید بر کارکرد اخلاقی
		توجه به آموزش تجربی
	ساختار برنامه درسی	توجه به اشتغال در برنامه درسی
		توجه به مهارت و تجربه اندوزی در برنامه‌های درسی
	تمرکززادایی	تمرکززادایی در تدوین و اجرای برنامه درسی
		توجه به گروه‌های آموزشی برای تدوین برنامه درسی
	منابع و روش‌های آموزشی	توجه به دروس مهارتی
		توجه به روش‌های نوآورانه
	عوامل انگیزشی و حمایتی	تجلیل و تقدیر
		توجه به نوآوری برای ارتقا
		حمایت مالی
	عوامل ساختاری آموزش عالی	انعطاف‌پذیری در ساختار
		اصلاح معیارهای جذب
		استانداردهای آموزشی
		یکپارچگی نظام آموزشی
عوامل قانونی- حقوقی		
بین‌المللی‌سازی		
ویژگی‌های فراگیران	خصیصه‌های روانشناختی	
	انگیزش فراگیران	

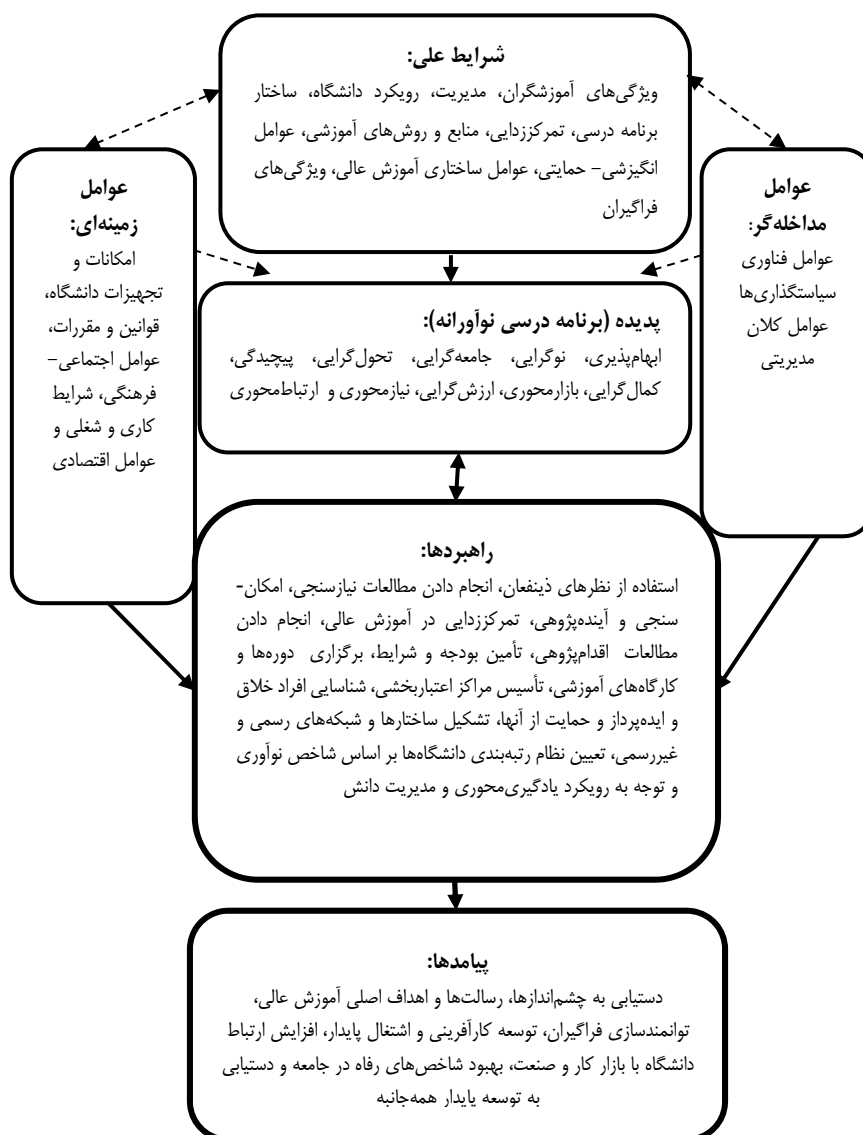
کدگذاری محور		کدگذاری باز
طبقه	زیر طبقه	مفهوم
عوامل زمینه‌ای		صلاحیت فراگیران
		نیازهای فراگیران
	امکانات و تجهیزات دانشگاه	منابع جدید
		زیرساخت‌های الکترونیک
		مکان مناسب
		قوانین حمایتی
	قوانین و مقررات	بوروکراسی اداری
		اعتماد و باور به دانشگاه
	عوامل اجتماعی - فرهنگی	توجه به نیازهای افراد جامعه
		توجه به ارزش‌ها و باورهای اجتماعی - فرهنگی
	شرایط کاری و شغلی	متناسب با شرایط جامعه
		توجه به بازار کار
		نیازها و فرصت‌های شغلی
		توجه به صنعت در آموزش
	عوامل اقتصادی	توجه به نظام اقتصادی
		توجه به پیوند آموزش و اقتصاد
توجه به سطح اقتصادی جامعه		
عوامل مداخله‌گر	عوامل فناوری	زیرساخت فناوری
		دسترسی به فناوری‌ها
		تغییر در دانش و فناوری
	سیاست‌گذاری‌ها	ایدئولوژی حاکم بر جامعه
		سیاست‌های موجود
	عوامل مدیریتی کلان	تغییر و جابه‌جایی مدیران
توجه به روابط در انتصاب‌ها		
راهبردها	استفاده از نظرهای ذینفعان (دانشجویان، والدین، صاحبان صنایع، متخصصان و ...)	برگزاری جلسه با ذینفعان
		ایجاد تعاملات بین رشته‌ای
		ایجاد ارتباط بین متخصصان
		همکاری با ذینفعان در تهیه محتوا
		استفاده از نظرهای والدین فراگیران
		استفاده از نظرهای فراگیران
	انجام دادن مطالعات نیازسنجی، امکان‌سنجی و آینده‌پژوهشی برای تدوین برنامه درسی نوآورانه	انجام دادن مطالعات نیازسنجی
		انجام دادن مطالعات امکان‌سنجی
		انجام دادن مطالعات آینده‌پژوهشی

کدگذاری محوری		کدگذاری باز
طبقه	زیر طبقه	مفهوم
	تمرکززدایی در نظام آموزش عالی برای تدوین و اجرای برنامه درسی نوآورانه	توجه به خودمختاری دانشگاه
		تدوین برنامه درسی توسط دانشگاه
		تدوین برنامه درسی بومی و محلی
		سیاستگذاری توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
		دادن اختیار تام جذب هیئت علمی به دانشگاه
	طراحی و اجرای بهینه مطالعات اقدام‌پژوهی در درون و برون دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای اصلاح و بهبود برنامه درسی نوآورانه	توجه به رویکرد آموزش‌پژوهی
		انجام دادن مطالعات آموزشی
		انجام دادن پژوهش‌های برون دانشگاهی
	تلاش درخصوص تأمین بودجه و فراهم کردن شرایط مناسب برای اجرای برنامه درسی نوآورانه	تأمین بودجه مناسب برای اجرای برنامه درسی نوآورانه
		فراهم کردن تسهیلات و امکاناتی برای پذیرش و اجرای برنامه درسی
		فراهم کردن تجهیزات
	تلاش برای تأسیس مراکز و شاخص‌های ارزیابی اعتبار و کیفیت برنامه‌های درسی نوآورانه دانشگاه‌ها در سطح ملی و بین‌المللی	تأسیس مراکز اعتباربخشی
		تعیین معیارهای بررسی کیفیت
		تلاش برای بین‌المللی‌سازی راهبردها
	تدوین دستورالعمل‌هایی برای شناسایی و حمایت از استادان و دانشجویان خلاق و ایده‌پرداز و تشویق و ترغیب آنها برای اجرای ایده‌ها و نظریات خود در دانشگاه‌ها	حمایت از ایده‌های جدید استادان و دانشجویان
		دادن اختیار به استادان و دانشجویان برای اجرای ایده‌ها
		شناسایی افراد خلاق و ایده‌پرداز
	تلاش برای تدوین ساختارها و تشکل‌های رسمی و غیررسمی در نظام آموزش عالی برای طراحی و تدوین برنامه‌های درسی و آموزشی	تأسیس تشکل‌ها در دانشگاه‌ها
		ایجاد ساختار رسمی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در دانشگاه‌ها
	تلاش برای تعیین نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس شاخص‌های نوآوری در آموزش عالی بر اساس شاخص‌های نوآوری در آموزش و ایجاد صلاحیت‌های کارآفرینی در میان فراگیران	تعیین نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس شاخص نوآوری در آموزش
		تعیین نظام سطح‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس پرورش صلاحیت‌های کارآفرینی و اشتغالزایی در میان فراگیران
		توجه به رویکرد یادگیری محوری
	تلاش به‌منظور توجه بیشتر به رویکرد یادگیری محوری و پیاده‌سازی نظام مدیریت دانش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	توجه به مدیریت دانش

کدگذاری محوری		کدگذاری باز
طبقه	زیر طبقه	مفهوم
پیامدها	دستیابی به چشم‌اندازها، رسالت‌ها و اهداف اصلی نظام آموزش عالی	افزایش کیفیت نظام آموزش عالی
		الحاق نوآوری به نظام آموزشی
		تحکیم هویت نظام آموزش عالی
		افزایش اعتبار دانش‌موختگان
		تولید علم واقعی و کاربردی
		استانداردسازی آموزش عالی
		جلوگیری از رکود دانشگاه‌ها
		افزایش پویایی آموزش عالی
	توانمندسازی فراگیران برای زندگی بهتر در جامعه	پرورش افراد ایده‌پرداز
		افزایش اقتدار افراد
		پرورش افراد توانمند
		ایجاد تغییرات بنیادین در فراگیران
		اصلاح اخلاق‌ها و روابط اجتماعی
		تربیت افراد خلاق و کارآفرین
	توسعه کارآفرینی و اشتغال پایدار در جامعه	پرورش تفکر انتقادی در میان فراگیران
		رونق بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی
	افزایش ارتباط دانشگاه با بازار کار و بخش صنعت	توسعه کسب و کارهای نوآورانه
		ارتباط دانشگاه با بازار کار
	توسعه و بهبود شاخص‌های رفاه در جامعه	ارتباط دانشگاه با بخش صنعت
		افزایش نرخ امید به زندگی
		افزایش ازدواج
		بهبود وضعیت سلامت
		کاهش مهاجرت
	دستیابی به توسعه پایدار همه‌جانبه	توسعه اجتماعی
توسعه سیاسی		
توسعه اقتصادی		
توسعه زیست‌محیطی		
پدیده	برنامه درسی نوآورانه	برنامه درسی نوآورانه شامل ابهام‌پذیری، نوگرایی، جامعه‌گرایی، تحول‌گرایی، پیچیدگی، کمال‌گرایی، بازارمحوری، ارزش‌گرایی، نیازمحوری و ارتباط‌محوری است.

در مرحله کدگذاری انتخابی، پس از بحث و بررسی درباره نتایج به‌دست آمده از کدگذاری باز و محوری،

مشورت با متخصصان و صاحب‌نظران موضوع و مرور و بررسی مکرر نتایج پژوهش در خصوص مفاهیم، زیرطبقات و طبقات اصلی، الگوی توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی ایران به صورت شکل ۱ به دست آمد.



شکل ۱- الگوی توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی ایران

## بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که از دیدگاه متخصصان و صاحب‌نظران مورد مطالعه در نظام آموزش عالی ایران، برنامه درسی نوآورانه دارای ده مفهوم ابهام‌پذیری، نوگرایی، جامعه‌گرایی، تحول‌گرایی، پیچیدگی، کمال‌گرایی، بازارمحوری، ارزش‌گرایی، نیازمحوری و ارتباط‌محوری است. بنابراین، می‌توان اظهار کرد که چنانچه در برنامه درسی هدف مطرح کردن مباحث و مطالب چالش برانگیز، مبهم، جدید و تحولی است، باید در آن برنامه نیازهای بازار و فراگیران و ارزش‌های جامعه در نظر گرفته شود و بتوان با آن میان فراگیران، دانشگاه و جامعه ارتباط مناسبی برقرار کرد که در این صورت، می‌توان گفت چنین برنامه درسی‌ای در دسته برنامه‌های درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی به‌شمار می‌رود. از این رو، برای اصلاح و بازنگری برنامه درسی نظام آموزش عالی در جهت حرکت به سمت دانشگاه نوآورانه (Clayton, Blumberg & Auld, 2010) باید به ویژگی‌ها و خصوصیات مذکور توجه شود. برخی از پژوهشگران نیز این ویژگی‌ها را برای برنامه‌های تغییر و نوآوری معرفی کرده‌اند. راجرز (Rogers, 2010) در الگوی ویژگی‌های تغییر، ویژگی‌های پیچیدگی، مزیت نسبی، مشاهده‌پذیری و توانایی سازگاری را از ویژگی‌های هر گونه تغییر برای دستیابی به نوآوری معرفی کرده است. موسوی و همکاران (Mousavi, Nili, Nasr & Massoud, 2016) در پژوهشی پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی، استقرایی، قیاسی و حل مسئله را از ویژگی‌های برنامه درسی نوآورانه معرفی کردند. آسرت و همکاران (Aesaert, Vanderlinde, Tondeur & van Braak, 2013) ویژگی ارتباطات از طریق فناوری آموزشی را از ویژگی‌های برنامه درسی نوآورانه می‌دانند. حسین و همکاران (Hussain, Dogar, Azeem & Shakoore, 2011) مختصات یک برنامه درسی دانشگاهی خوب را شامل مواردی نظیر شکل‌گیری بر اساس فهم اجتماعی، ارتقای رشد فردی، بهبود مداوم تجارب، متناسب با اهداف آموزشی و تربیتی، فراهم آوردن تجارب آموزشی مفید و ارتقای کیفیت می‌دانند. فانگ (Fung, 2017) نیز ویژگی‌هایی نظیر ارتباط‌محوری، جامعه‌محوری و پژوهش‌محوری را برای برنامه درسی متصل به یادگیرنده در نظر می‌گیرد که با نتایج این پژوهش همخوانی دارد.

بر اساس نتایج پژوهش از دیدگاه افراد مورد مطالعه در نظام آموزش عالی کشور، عوامل علی مؤثر بر توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور شامل مواردی نظیر ویژگی‌های آموزشگر، مدیریت، رویکرد دانشگاه، ساختار برنامه درسی، تمرکززدایی، منابع و روش‌های آموزشی، عوامل انگیزشی - حمایتی، عوامل ساختاری آموزش عالی و ویژگی‌های فراگیران بودند. این یافته‌ها با نتایج مطالعات تورانی و همکاران (Khosravi & Arman, 2014)، خسروی و آرمان (Turani, Aghaie & Mullainejad, 2014)، فتحی و اجارگاه و همکاران (Fathi Vajargah, Ebrahimzadeh, Faraj Elahi & Khoshnoudifar, 2013)، گائو و همکاران (Gao et al., 2017)، ماتا (Mata, 2012) و گروبا و همکاران (Grubay, Moffaty, Søndergaard, Harald & Zobel, 2004) هماهنگ است.

در دسته ویژگی‌های آموزشگران مفاهیمی نظیر صلاحیت استادان، نگرش استادان، باورها و اعتقادات استادان، خلاقیت و نوآوری استادان و انگیزه استادان وجود داشت. در تفسیر این یافته می‌توان گفت چنانچه استادان دانش، مهارت و توانایی و همچنین نگرش‌ها، باورها و اعتقادات و انگیزه مناسبی در زمینه برنامه درسی نوآورانه داشته و خلاق و نوآور باشند، تمایل بیشتری برای اجرای برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی دارند. در دسته عوامل مدیریتی مفاهیمی نظیر سبک مدیریت، دیدگاه مدیران، منصب‌گرایی مدیران، ناهمگونی مدیران و خلاقیت و نوآوری مدیران وجود داشت. هر چه مدیران از سبک‌های مدیریت و رهبری مشارکتی و آزادانه‌تری استفاده کنند و دیدگاه مثبت‌تری به برنامه درسی نوآورانه داشته و از ویژگی خلاقیت و نوآوری برخوردار باشند و دنبال مقام و منزلت نباشند، طبیعی است که درخصوص پیاده‌سازی برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی تلاش بیشتری خواهند کرد. در دسته رویکرد دانشگاه مفاهیمی نظیر توجه به تولید دانش، توجه به حل مسئله، تأکید بر کارکرد اخلاقی و توجه به آموزش تجربی وجود دارد. چنانچه رویکرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تولید دانش و حل مشکلات و مسائل جامعه باشد و بر آموزش‌های عملی و تجربی و کارکردهای اخلاقی تأکید کنند، واضح است که آنها شرایط و زمینه لازم را برای پیاده‌سازی برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی فراهم کرده‌اند. در دسته ساختار برنامه درسی مفاهیمی نظیر توجه به اشتغال و کارآفرینی در برنامه درسی و توجه به مهارت و تجربه در برنامه درسی وجود داشت. اگر ساختار برنامه درسی مبتنی بر اشتغال و کارآفرینی و تأکید آن بر پرورش مهارت و تجربه در دوره‌های آموزشی باشد، طبیعی است که از پذیرش برنامه‌های درسی نوآورانه استقبال می‌شود و تسهیل‌گر توسعه برنامه‌های درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی خواهد بود. در دسته تمرکززدایی مفاهیمی نظیر تمرکززدایی در تدوین و اجرای برنامه درسی و توجه به گروه‌های آموزشی برای تدوین برنامه درسی وجود داشت. چنانچه به گروه‌های آموزشی و درسی در دانشگاه‌ها برای تدوین برنامه‌های درسی آزادی و اختیار لازم داده شود و آنها با توجه به ظرفیت‌ها، نیازها و خواسته‌ها برای تدوین برنامه درسی اقدام کنند، واضح است که آنها تمایل بیشتری برای اجرا و توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی خواهند داشت. در دسته منابع و روش‌های آموزشی مفاهیمی نظیر توجه به دروس مهارتی و توجه به روش‌های نوآورانه وجود داشت. اگر در منابع و روش‌های آموزشی بر دروس مهارتی و روش‌های نوآورانه تأکید شود، فراگیران اشتیاق بیشتری برای اجرای برنامه‌های درسی نوآورانه از خود نشان می‌دهند و در نتیجه، پیاده‌سازی و توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی تسریع خواهد شد.

در دسته عوامل انگیزشی-حمایتی مفاهیمی نظیر تجلیل و تقدیر، توجه به نوآوری برای ارتقا و حمایت مالی و معنوی وجود داشت. چنانچه از گروه‌ها و دانشگاه‌های پیش‌تاز در اجرای برنامه‌های درسی نوآورانه حمایت مالی و معنوی به عمل آید و از آنها در جشنواره‌ها و سمینارها قدردانی و برای ارتقای اعضای هیئت علمی به فعالیت‌های نوآورانه آموزشی آنان توجه شود، واضح است که آنان علاقه بیشتری برای اجرای برنامه‌های درسی نوآورانه خواهند داشت. در دسته عوامل ساختاری آموزش عالی مفاهیمی نظیر انعطاف‌پذیری در ساختار، اصلاح معیارهای جذب، اصلاح استانداردهای آموزشی، یکپارچگی نظام‌های

آموزشی، عوامل قانونی-حقوقی و بین‌المللی‌سازی وجود داشت. پر واضح است که اگر در برنامه درسی نظام آموزش عالی انعطاف‌پذیری وجود داشته باشد، معیارهای جذب و استانداردها به‌منظور توجه به نوآوری در آموزش تغییر یابد، بین دروس و مقاطع تحصیلی مختلف ارتباط عمودی و افقی وجود داشته باشد، عوامل قانونی و حقوقی در جهت تسریع توجه به نوآوری در برنامه درسی باشند و دانشگاه به فعالیت‌های بین‌المللی و جهانی تشویق شود، آن برنامه درسی به سمت توسعه و پیاده‌سازی برنامه درسی نوآورانه پیش خواهد رفت. در نهایت، در دسته ویژگی‌های فراگیران مفاهیمی نظیر خصیصه‌های روانشناختی، انگیزش فراگیران، صلاحیت فراگیران و نیازهای فراگیران وجود داشت. بدیهی است که اگر فراگیران از خصیصه‌های خلاقیت، خطرپذیری، نوآوری و سماجت برخوردار باشند، دانش، مهارت و توانایی بالایی برای اجرای برنامه درسی نوآورانه داشته باشند و در تدوین برنامه درسی نوآورانه به نیازها و انگیزه‌های فراگیران توجه شود، آنها تمایل زیادی برای کمک به اجرا و توسعه برنامه درسی در نظام آموزش عالی خواهند داشت.

یافته‌های پژوهش نشان داد که از دیدگاه افراد مورد مطالعه در نظام آموزش عالی کشور عوامل زمینه‌ای مؤثر بر توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور شامل مواردی نظیر امکانات و تجهیزات دانشگاه، قوانین و مقررات، عوامل اجتماعی- فرهنگی، شرایط کاری و شغلی و عوامل اقتصادی بودند. این یافته‌ها با نتایج مطالعات تورانی و همکاران (Turani et al., 2014)، ماتا (Mata, 2012)، لاتوکا و استارک (Lattuca & Stark, 2009) و گروبا و همکاران (Grubay et al., 2004) همخوانی دارد. در دسته امکانات و تجهیزات دانشگاه از دیدگاه پاسخگویان مفاهیمی نظیر منابع جدید، زیرساخت‌های الکترونیک و مکان مناسب وجود داشت. در تفسیر این یافته می‌توان گفت که برای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی باید امکانات و تجهیزات دانشگاه جدید باشند؛ بنابراین، اگر منابع جدید، زیرساخت‌های الکترونیک و مکان مناسب در دانشگاه برای آموزش و یادگیری وجود داشته باشد، زمینه مناسبی برای پیاده‌سازی و توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی فراهم می‌شود. در دسته قوانین و مقررات از دیدگاه پاسخگویان مفاهیمی نظیر قوانین حمایتی و بوروکراسی اداری وجود داشت. برای توسعه برنامه درسی نوآورانه باید تمام قوانین و مقررات جامعه در جهت حمایت از توسعه نوآوری تغییر و اصلاح شوند و همچنین بوروکراسی و کاغذبازی برای انجام دادن فعالیت‌های نوآورانه در جامعه کاهش یابند و افراد به آسانی بتوانند برای انجام دادن فعالیت‌های نوآورانه اقدام کنند، در چنین وضعیتی می‌توان انتظار داشت که برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی به کار گرفته شود. در دسته عوامل اجتماعی- فرهنگی از دیدگاه پاسخگویان مفاهیمی نظیر اعتماد و باور به دانشگاه، توجه به نیازهای افراد جامعه، توجه به ارزش‌ها و باورهای اجتماعی و فرهنگی و متناسب با شرایط جامعه وجود داشت. نظر به آنکه هر دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی در بافت و زمینه‌ای با انواع ویژگی‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت و متنوع فعالیت می‌کند، برای پیاده‌سازی و توسعه هر برنامه درسی در نظام آموزش عالی باید ارزش‌ها و ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی را در نظر داشت. از این‌رو، واضح است که چنانچه در برنامه درسی نوآورانه به نیازها، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی و فرهنگی و شرایط و ویژگی‌های جامعه توجه و از طرق مختلف



برای جلب اعتماد عمومی به دانشگاه اقدام شود، اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های نوآورانه در نظام آموزش عالی راحت‌تر خواهد بود. در دسته شرایط کاری و شغلی از دیدگاه پاسخگویان مفهیمی نظیر توجه به بازار کار، توجه به نیازها و فرصت‌های شغلی و توجه به صنعت در آموزش وجود داشت. از آنجایی که تمام برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی و درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای تربیت و پرورش افراد مورد نیاز بازار کار و صنعت در جامعه تدارک دیده شده‌اند، برای توسعه هر برنامه درسی در نظام آموزش عالی باید به بازار کار و صنعت توجه و نیازها و فرصت‌های شغلی آن‌ها در نظر گرفته شود که در این صورت، زمینه مناسبی برای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی فراهم می‌شود. درنهایت، در دسته عوامل اقتصادی از دیدگاه پاسخگویان مفهیمی نظیر توجه به نظام اقتصادی، توجه به پیوند آموزش و اقتصاد و توجه به سطح اقتصادی جامعه وجود داشت. هر برنامه تحولی و نوآورانه و هرگونه تغییر در نهادهای اجتماعی جامعه از جمله نظام آموزش عالی با صرف هزینه‌هایی همراه است. در این خصوص، توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی نیز از این قضیه مستثنا نیست، چرا که طراحی، اجرا و توسعه این برنامه با هزینه‌ها و مخارج بالایی همراه است. لذا، برای طراحی، پیاده‌سازی و توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی باید به مباحث اقتصادی در جامعه و نظام آموزش عالی به‌عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای توجه شود.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که از دیدگاه افراد مورد مطالعه در نظام آموزش عالی کشور عوامل مداخله‌گر مؤثر بر توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور شامل مواردی نظیر عوامل فناوری، سیاستگذاری‌ها و عوامل کلان مدیریتی است. این نتایج با یافته‌های مطالعات تورانی و همکاران (Turani et al., 2014) خسروی و آرمان (Khosravi & Arman, 2016)، ماتا (Mata, 2012) و لاتوکا و استارک (Lattuca & Stark, 2009) همسویی دارد. در دسته عوامل فناوری از دیدگاه افراد مورد مطالعه مفهیمی نظیر زیرساخت فناوری، دسترسی به فناوری و تغییر در دانش و فناوری وجود داشت. میزان دسترسی افراد به فناوری و زیرساخت‌های آن و همچنین تغییر در دانش و فناوری در سطح جهان متغیرهایی هستند که بر روند توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی نقش مداخله‌گر دارند؛ یعنی جهتگیری‌های فناوری در سطح ملی و بین‌المللی می‌توانند تسهیل‌گر یا بازدارنده توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی باشند. در دسته عوامل سیاستگذاری از دیدگاه افراد مورد مطالعه مفهیمی نظیر ایدئولوژی حاکم بر جامعه و سیاست‌های موجود وجود داشت. سیاستگذاری‌ها در هر جامعه برای برنامه‌های توسعه‌ای و ترویجی در آن جامعه اثر مداخله‌گر دارند. در زمینه برنامه درسی نوآورانه نیز سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه اثر مداخله‌گر دارند و ممکن است موجب توسعه برنامه درسی نوآورانه شوند یا مانع توسعه آن شوند، چرا که نقش تسهیل‌گری یا بازدارندگی عوامل سیاستی به ماهیت ارزش‌ها در جامعه بستگی دارد. درنهایت، در دسته عوامل کلان مدیریتی از دیدگاه افراد مورد مطالعه مفهیمی نظیر تغییر و جابه‌جایی مدیران و توجه به روابط در انتصاب‌ها وجود داشت. نظر به آنکه پست‌ها و سمت‌های مدیریتی در جوامع دموکراتیک ابدی نیست و هر فرد در هر پست و مقامی چند صباحی فعالیت

می‌کند و بعد از آن کس دیگری مسئولیت آن سمت را بر عهده می‌گیرد، این تغییر و جابه‌جایی‌ها چنانچه بر مبنای تخصص‌ها و مهارت‌ها در سطح نظام آموزش عالی انجام شود، طبیعی است که اثر تسهیل‌گری بر توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی دارند؛ ولی چنانچه این تغییر و انتصاب‌ها بر مبنای روابط و سلیقه‌ای باشند، اثر منفی بر توسعه برنامه‌های درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی خواهند داشت. بر این اساس، توجه به عوامل کلان مدیریتی برای پیاده‌سازی و توسعه برنامه‌های درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی اهمیت و ضرورت بسیاری دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیامدهای توسعه و پیاده‌سازی برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور از دیدگاه افراد مورد مطالعه شامل مواردی نظیر دستیابی به چشم‌اندازها، رسالت‌ها و اهداف اصلی نظام آموزش عالی، توانمندسازی فراگیران برای زندگی بهتر در جامعه، توسعه کارآفرینی و اشتغال پایدار در جامعه، افزایش ارتباط دانشگاه با بازار کار و بخش صنعت، توسعه و بهبود شاخص‌های رفاه در جامعه و دستیابی به توسعه پایدار همه‌جانبه بودند. نظر به آنکه آشنایی با پیامدها و دستاوردهای اجرای هر برنامه توسعه‌ای و ترویجی برای مدیران، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اهمیت و ضرورت بسیاری دارد، شناسایی پیامدهای توسعه و پیاده‌سازی برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی برای مدیران، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران نظام آموزش عالی خالی از لطف نیست. از این رو، در ادامه جزئیات تمام پیامدهای اجرای برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی ایران توصیف شده‌اند.

در دسته پیامد دستیابی به چشم‌اندازها، رسالت‌ها و اهداف اصلی نظام آموزش عالی مفاهیمی نظیر افزایش کیفیت نظام آموزش عالی، الحاق نوآوری به نظام آموزشی، تحکیم هویت نظام آموزش عالی، افزایش اعتبار دانش‌آموختگان، تولید علم واقعی و کاربردی، استانداردسازی آموزش عالی، جلوگیری از رکود دانشگاه‌ها و افزایش پویایی آموزش عالی وجود داشت. در دسته پیامد توانمندسازی فراگیران برای زندگی بهتر در جامعه مفاهیمی نظیر پرورش افراد ایده‌پرداز، افزایش اقتدار افراد، پرورش افراد توانمند، ایجاد تغییرات بنیادین در فراگیران، اصلاح اخلاق‌ها و روابط اجتماعی، تربیت افراد خلاق و کارآفرین و پرورش تفکر انتقادی در میان فراگیران وجود داشت. در دسته پیامد توسعه کارآفرینی و اشتغال پایدار در جامعه مفاهیمی نظیر رونق بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی و توسعه کسب و کارهای نوآورانه وجود داشت. در دسته پیامد افزایش ارتباط دانشگاه با بازار کار و بخش صنعت مفاهیمی نظیر ارتباط دانشگاه با بازار کار و ارتباط دانشگاه با بخش صنعت وجود داشت. در دسته پیامد توسعه و بهبود شاخص‌های رفاه در جامعه مفاهیمی نظیر افزایش نرخ امید به زندگی، افزایش ازدواج، بهبود وضعیت سلامت و کاهش مهاجرت وجود داشت. در نهایت، در دسته پیامد دستیابی به توسعه پایدار همه‌جانبه مفاهیمی نظیر توسعه اجتماعی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و توسعه زیست‌محیطی وجود داشت. با توجه به نتایج پژوهش، تدوین، پیاده‌سازی و توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی موجب شکوفا شدن و توسعه پایدار و همه‌جانبه نظام آموزش عالی می‌شود؛ بنابراین، به مدیران، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور در حوزه آموزش پیشنهاد می‌شود که درخصوص طراحی و اجرای این‌گونه برنامه‌های درسی در نظام‌های آموزشی اقدام کنند.

## دستاوردها و پیشنهادهای

پژوهش حاضر دستاوردهای نظری و کاربردی مناسبی برای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی ایران دارد که در ادامه تشریح شده‌اند.

دستاوردهای نظری: این پژوهش با مفهوم‌سازی و شناسایی عوامل مؤثر (علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر) و پیامدهای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کشور، پژوهشگران، صاحب‌نظران و متخصصان حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی درسی و آموزشی را با مفهوم و عوامل زمینه‌ساز و پیامدهای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی آشنا ساخت. علاوه بر این، انتظار می‌رود که این پژوهش با شناسایی راهبردهای مناسب برای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی به ارتقای دانش و آگاهی سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، آموزشگران و پژوهشگران حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و همچنین ادبیات آن کمک کرده باشد. درنهایت، این پژوهش از نظر روش‌شناسی دستاوردهای مناسبی در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی داشت، چرا که از طرح روش‌شناسی نظریه‌برپایه (نظریه زمینه‌ای) بهره گرفته شده است. این طرح پژوهشی کمتر در پژوهش‌های حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دیده شده است؛ بنابراین، این مطالعه می‌تواند هدایتگر پژوهشگران در استفاده از این روش پژوهش باشد.

دستاوردهای کاربردی: سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، مدیران و آموزشگران نظام آموزش عالی کشور می‌توانند از دانش و آگاهی حاصل شده از این پژوهش در تدوین راهکارها، محتوا و روش‌های آموزشی اثربخش برای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی استفاده کنند. برای نیل به این مهم باید راهبردها و راهکارهای مناسبی تدوین و در قالب برنامه‌های بلندمدت متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور در داخل و خارج از نظام آموزش عالی کشور به کار گرفته شوند. در این پژوهش در قالب یک هدف اصلی برای شناسایی راهبردهای مناسب برای توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی اقدام و در ادامه برای هر کدام از راهبردهای شناسایی شده چند راهکار اجرایی پیشنهاد داده شد. درواقع، این راهکارها می‌توانند به سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، مدیران و آموزشگران نظام آموزش عالی کشور در پیاده‌سازی و توسعه برنامه درسی نوآورانه در نظام آموزش عالی کمک کنند.

برای راهبرد استفاده از نظرهای ذینفعان (دانشجویان، والدین، صاحبان صنایع، متخصصان و ...) نظام آموزش عالی در تدوین برنامه درسی نوآورانه راهکارهایی نظیر برگزاری جلسه با ذینفعان، ایجاد تعاملات بین رشته‌ای، ایجاد ارتباط بین متخصصان، همکاری با ذینفعان در تهیه محتوا، استفاده از نظرهای والدین فراگیران و استفاده از نظرهای فراگیران پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد انجام دادن مطالعات نیازسنجی، امکان‌سنجی و آینده‌پژوهشی برای تدوین برنامه درسی نوآورانه راهکارهایی نظیر انجام دادن مطالعات نیازسنجی، انجام دادن مطالعات امکان‌سنجی و انجام دادن مطالعات آینده‌پژوهشی پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد تمرکززدایی در نظام آموزش عالی برای تدوین و اجرای برنامه درسی نوآورانه راهکارهایی نظیر توجه به خودمختاری دانشگاه، تدوین برنامه درسی توسط دانشگاه، تدوین برنامه درسی بومی و محلی، سیاستگذاری توسط وزارت علوم و اختیار تام جذب هیئت علمی به دانشگاه پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد طراحی و اجرای بهینه مطالعات اقدام‌پژوهی در درون و برون دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای اصلاح و بهبود برنامه درسی نوآورانه راهکارهایی نظیر توجه به رویکرد آموزش‌پژوهی، انجام دادن مطالعات آموزشی و انجام دادن پژوهش‌های برون دانشگاهی پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد تلاش درخصوص تأمین بودجه و فراهم کردن شرایط مناسب برای اجرای برنامه درسی نوآورانه راهکارهایی نظیر تأمین بودجه مناسب برای اجرای برنامه درسی نوآورانه، فراهم کردن تسهیلات و امکاناتی برای پذیرش و اجرای برنامه درسی و فراهم کردن تجهیزات پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد تلاش به‌منظور برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مناسب برای توانمندسازی استادان راهکارهایی نظیر برگزاری دوره‌های آموزشی برای توسعه استادان و برگزاری مستمر آموزش‌های ضمن خدمت پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد تلاش درخصوص تأسیس مراکز و شاخص‌های ارزیابی اعتبار و کیفیت برنامه‌های درسی نوآورانه دانشگاه‌ها در سطح ملی و بین‌المللی راهکارهایی نظیر تأسیس مراکز اعتباربخشی، تعیین معیارهای بررسی کیفیت و تلاش برای بین‌المللی‌سازی راهبردها پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد تدوین دستورالعمل‌هایی برای شناسایی و حمایت از استادان و دانشجویان خلاق و ایده‌پرداز و تشویق و ترغیب آنها برای اجرای ایده‌ها و نظرهای خود در دانشگاه‌ها راهکارهایی نظیر حمایت از ایده‌های جدید استادان و دانشجویان، دادن اختیار به استادان و دانشجویان برای اجرای ایده‌ها و شناسایی افراد خلاق و ایده‌پرداز پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد تلاش درخصوص تدوین ساختارها و تشکل‌های رسمی و غیررسمی در نظام آموزش عالی برای طراحی و تدوین برنامه‌های درسی و آموزشی راهکارهایی نظیر تأسیس تشکل‌ها در دانشگاه‌ها و ایجاد ساختار رسمی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در دانشگاه‌ها پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد تلاش برای تعیین نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بر اساس شاخص‌های نوآوری در آموزش و ایجاد صلاحیت‌های کارآفرینی در میان فراگیران راهکارهایی نظیر تعیین نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس شاخص نوآوری در آموزش و تعیین نظام سطح‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس پرورش صلاحیت‌های کارآفرینی و اشتغالزایی در میان فراگیران پیشنهاد می‌شود.

برای راهبرد تلاش به‌منظور توجه بیشتر به رویکرد یادگیری‌محوری و پیاده‌سازی نظام مدیریت دانش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی راهکارهایی نظیر توجه به رویکرد یادگیری‌محوری و توجه به مدیریت دانش پیشنهاد می‌شود.

## References

1. Aesaert, K., Vanderlinde, R., Tondeur, J., & van Braak, J. (2013). The content of educational technology curricula: A cross-curricular state of the art. *Education Tech Research Development*, 61, 131-151.
2. Aghazadeh, A. (2015). *Comparative education (Fourteenth Edition)*. Tehran: Samt Publications (in Persian).
3. Clayton, K., Blumberg, F., & Auld, D.P. (2010). The relationship between motivation, learning strategies and choice of environment whether traditional or including an online component. *British Journal of Educational Technology*, 41(3), 349-364.
4. De La Harpe, B., & Thomas, I. (2009). Curriculum change in universities: Conditions that facilitate education for sustainable development. *Journal of Education for Sustainable Development*, 3 (1), 75-85.
5. Fathi Vajargah, K., Ebrahimzadeh, A., Faraj Elahi, M., & Khoshnoudifar, M. (2013). Internationalization of the curriculum in the Iranian higher education system: Challenges and strategies. *Journal of Educational Sciences Shahid Chamran University of Ahvaz*, 6 (2), 66-45 (in Persian).
6. Fullan, M. (1991). *The new meaning of educational change (2nd Ed.)*. New York: Teachers College Press.
7. Fung, D. (2017). *A connected curriculum for higher education (p. 182)*. Ucl Press.
8. Gao, Y., Zhang, P.P., Wen, S.F., et al. (2017). Challenge, opportunity, and development: Influencing factors and tendencies of curriculum innovation on undergraduate nursing education in the mainland of China. *Chinese Nursing Research*, 4, 113-116.
9. Grubay, P., Moffaty, A., Søndergaard, H., & Zobel, J. (2004). What drives curriculum change? Australian Computer Society, Inc. the Sixth Australasian Computing Education Conference, New Zealand.
10. Hajbagheri, M., Parvizi, S., & Salsali, M. (2011). *Qualitative research methods*. Bushra Publication.
11. Hosseini Largani, S.M., Fathi Vajargah, K., Arefi, M., & Zarafshani, K. (2015). Designing a scrap curriculum assessment model in Iranian higher education system. *Journal of Research in Educational Systems*, 8 (27), 174-149 (in Persian).

12. Hussain, A., Dogar, A.H., Azeem, M., & Shakoor, A. (2011). Evaluation of curriculum development process. *International Journal of Humanities and Social Science*, 1(14), 263-271.
13. Iman, M.D., & Noshadi, M.R. (2011). Qualitative content analysis, *Research*, 3 (2), 15-44 (in Persian).
14. Khaghanizadeh, M., & Fathi Vajargah, K. (2009). University curriculum templates. *Journal of Education Strategies in Medical Sciences*, 1 (2), 18-10 (in Persian).
15. Khosravi, M. (2018). Identifying curriculum experts' viewpoints on challenges of innovation in higher education curriculum using Q method. *Curriculum Research*, 7 (2), 144-118 (in Persian).
16. Khosravi, M., & Arman, M. (2016). A model for implementing innovation in the higher education curriculum. *Journal of Innovation and Value Creation*, 3 (7), 84-65 (in Persian).
17. Kirkgoz, Y. (2009). Challenge of developing and maintaining curriculum innovation at higher education. Retrieved from [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com), 10-19.
18. Lattuca, L.R., & Stark, J.S. (2009). *Shaping the college curriculum: Academic plans in context*. John Wiley & Sons, Inc, Second Edition, San Francisco.
19. Mata, L. (2012). Key factors of curriculum innovation in language teacher education. *International Journal of Educational and Pedagogical Sciences*, 6 (6), 1222-1230.
20. Mehr Mohammadi, M. (2005). *Curriculum: views, approaches, and perspectives*. Second edition, Mashhad: Astan Qods Razavi (in Persian).
21. Momeni Mahmouee, H., Shariatmadari, A., & Naderi, A. (2009). Competency-based curriculum in higher education. *Educational Research Journal*, 17, 156-129 (in Persian).
22. Mousavi, S., Nili, M.R., Nasr, A.R., & Massoud, M. (2016). Describe the indicators of innovation in the objectives of the curricula in the field of art and examine their application. *Higher Education Curriculum Studies Quarterly*, 6 (11), 120-85 (in Persian).
23. Mousavi, S.H., Salehi Omran, E., Farastkhah, M., & Tawfighi, J. (2018). Presentation of entrepreneurship university development model in Iran. *Iranian Journal of Engineering Education*, 19 (76), 28-1 (in Persian).

24. Nourabadi, S., Ahmadi, P., Dabiri Isfahani, A., & Farasatkah, M. (2015). The necessity and possibility of changing the curriculum approved by the Iranian higher education system to the integrated curriculum (case study: Educational management branch, undergraduate degree). *Journal of Education and Evaluation*, 7 (25), 122-101 (in Persian).
25. Peeco, S. (2009). Acceptation of educational innovation. *Journal of Vocational Behavior*, 48, 275 - 300.
26. Raouf, A. (2001). Small innovation, big change. Proceedings of the Conference on Change and Innovation in Organization and Management of Education, Tehran: Institute of Education, 62-61(in Persian).
27. Rogers, E.M. (2010). *Diffusion of innovations*. 4<sup>th</sup> Edition, Simon and Schuster, New York.
28. Sadeghi, A., & Anwari, P. (2004). The role of university and academic research in the development process. Proceedings of the Conference on Higher Education and Sustainable Development (Volume I), 198-173 (in Persian).
29. Saks, A.M., & Belcourt, M. (2006). An investigation of training activities and transfer of training in organizations. *Human Resource Management*, 45 (4), 629-648.
30. Salehi Omran, A. (2018). Iran's terrible reputation in the relation of education to employment. Retrieved from [snn.ir/652154](http://snn.ir/652154) (in Persian).
31. Strass, A., & Corbin, J. (1988). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedure and techniques new bury park*.
32. Turani, H., Aghaie, A., & Mullainejad, A. (2014). Barriers to supporting innovation and providing an appropriate model for establishing an innovation system in education. *Journal of Educational Innovation*, 16 (63), 74-47 (in Persian).

